



## گفت و گو با

### احمد مبلغی\*

🔗 : نقش و اثرگذاری رسانه های نوشتاری و مطبوعات دینی را در

گذشته و حال چگونه ارزیابی می کنید و به نظر حضرت عالی دفتر

تبلیغات حوزه علمیه قم، چه نقشی در استقرار و جایگاه بخشی

مطبوعات دینی داشته است؟

● مطبوعات در عرصه فرهنگ و فرهنگ سازی و تولید کالاهای فکری، علمی و فرهنگی برای جامعه و بویژه مراکز علمی (دانشگاهی یا حوزوی) نقش اساسی را بر دوش دارند و بسیار تأثیرگذار هستند. مطبوعات دینی، در گذشته (قبل از انقلاب) از یک جایگاه حاشیه ای و نه در متن برخوردار بودند و از کمیت متناسب و کیفیت مورد انتظار از یک مطبوعه دینی یا علمی، بهره مند نبودند. اگرچه کوششهایی شایسته تقدیر به عمل می آمد. ولی پس از انقلاب اسلامی، کم کم، به مطبوعات دینی در

\* از شاگردان حضرات آیات: فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، اشتهاردی و... و اکنون از اساتید خارج فقه و اصول، مدیر پژوهشکده فقه و حقوق، مدیر مرکز تحقیقات مجمع تقریب میان مذاهب اسلامی. نویسنده پژوهشگر و دارای آثار بسیار، از جمله: موسوعه الاجماع فی الفقه الامامی و بیش از ۶۰ مقاله پژوهشی، همچون: عقلانیت در اندیشه و فقه سیاسی امام خمینی، مبانی کلامی و کاربرد آن در فقه سیاسی امام خمینی، موضوع شناسی در سیر تاریخی، پیش نیازهای اجتهاد، فقه سیاسی، فقه و جهانی سازی، اوراق اجاره، تغییر الجنس، ضوابط بهره گیری از مبانی کلامی در اصول.

رشته‌های فقهی، علمی، کلامی و دینی توجه شد و دفتر تبلیغات از پشستازان این ساحت علمی به شمار می‌رود. این دفتر یک گام بلند و خیزش قابل تقدیری را در آن شرایط، که شاید حتی مراکز دانشگاهی هم به فکر توسعه مجله‌های علمی نبودند، برداشت و تأییراتی که این گام بلند دفتر تبلیغات در برانگیختن توجه و ایجاد فضای تأمل و دعوت به نوآوری و نواندیشی و شکل دهی به ادبیات فارسی علمی، بویژه در فقه، در برداشت، غیر قابل انکار و غیر قابل اغماض است.

کم نیستند کسانی که در حوزه از روند و حرکت توسعه مجلات علمی متأثر شده و به عرصه پژوهش و تحقیق گرایش پیدا کرده‌اند. بنابراین، در یک تحلیل جامع و منصفانه باید این گام برداشته شده توسط دفتر تبلیغات را منشأ تحول در توجه به پژوهش در تاریخ حوزه به شمار آورد.

🔗 : در بُعد تکامل و نشو و نما، این گام چگونه استمرار یافته و آیا

در حد انتظار ظاهر شده است؟

● سؤال اساسی این است که آیا دفتر تبلیغات اسلامی، متناسب با آن گامی که در آن شرایط به عنوان گام اول برداشت، بعدها توانست متناسب با آن انتظار و یا آن اقتضا، تلاشهای تکمیلی را انسجام و تکامل بخشد؟ این از مواردی است که جا دارد و باید مورد تحلیل و بحث قرار گیرد.

آیا توانسته آن وضع آرمانی مطلوب را به پیش ببرد و در این زمینه وضعیت مطبوعات دینی را به یک جایگاه ایده‌آل ارتقاء بخشد، باید به درستی تحلیل و روی آن درنگ شود.

شاید بتوان گفت که این روند، اگرچه خوب و مفید بوده است، ولی نباید آن را یک روند ایده‌آل و مطلوب تلقی کنیم. به نظر می‌رسد که اگر ما شاخصهای وضعیت ایده‌آل را در عرصه توسعه مطبوعات شناسایی کنیم،

بتوانیم هم گذشته را تحلیل و هم برای آینده برنامه ریزی داشته باشیم .

● : این شاخصها، که وضعیت ایده آل آن توسعه مطبوعات را

شکل می دهند، کدام اند؟

● به نظر این شاخصها و یا استانداردهای وضعیت ایده آل و فعالیتهای مطبوعاتی عبارتند از:

۱. مجله باید همیشه خاستگاهی برای نقل و انتقال اندیشه ها باشد، آن هم با سرعت و در بیشترین حجم و با بهترین کیفیت. اگر یک مجله در یک حوزه، با عرصه کلان علمی به تریونی برای ارائه اندیشه ها و دریافت نقدها و اشکالات علمی بدل نشود، در یک وضعیت مطلوب و ایده آل قرار ندارد. و آن تأثیرگذاری مطلوب را نخواهد داشت. یک مجله الزاماً می بایست محلی برای دریافت سریع و بدون فوت وقت اندیشه ها و انعکاس نقدهای متوجه اندیشه های ارائه شده باشد.

۲. رسانه های موجود دینی و تبلیغی باید متناسب با رسانه های روز و دارای وضعیت ایده آل اطلاع رسانی، همراه با نظم و هماهنگی کلی باشند.

۳. رابطه بین مجله و کتاب، باید منطقی، سامان مند و منظم باشد. به این ترتیب که مجله ها و نشریه ها، همیشه و در همه حال، حالت پیشتازی خود را حفظ کنند و به طرح و بیان موضوعها و مقوله های جدید و بی سابقه، برای نخستین بار، در همه حوزه ها و زمینه ها پردازند و کتابها از آنها پیروی کنند و فرآورده های کتاب، باز دستمایه ای برای تحلیلهای بعدی و پردازش آراء و اندیشه های جدید در نشریه ها باشد.

کتاب وجود ماندگارتر و پایدارتری دارد و طبیعی است که مطالب زودگذر و موقتی نمی تواند در آن مطرح شود. کتابها باید در فضایی که مجلات پدید

می آورند، هویت و پایداری پیدا کنند که متأسفانه در حال حاضر، این شاخص مشاهده و رعایت نمی شود.

۴. نشریه دینی در عین حال که باید پیشتاز باشد، از هرگونه هرج و مرج علمی هم باید پرهیزد. در نشر مجله، باید مقید به اصول و موازین علمی و موزون بود. هر مطلب جدید، تنها به خاطر نو بودن، بدون چارچوب اولیه نباید مطرح شود.

۵. زبان مجله، باید زبان روز باشد. ادبیات روز، به گونه دقیق باید در ارائه مطالب آن، رعایت شود.

به نظر من اگر این پنج شاخص، در کنار درک و ملاحظه فرهنگ و اندیشه های مطرح در جامعه امروز به کار بسته شود، ضریب موفقیت مجله، افزایش می یابد.

🔖 : اکنون می بینیم، مطبوعات دینی به یک تکرار ملال آوری

گرفتار آمده اند. به نظر حضرت عالی برای رهایی از تکرارهای

ملال آور گاه رونویسیها، چه چاره ای باید اندیشید.

● بنده معتقدم بین مجله ها و نشریه های دینی، باید تعادل آرا و نظرات وجود داشته باشد و مجله های دینی می بایست فصل بندی و هر کدام از آنها در حوزه خاصی حرکت کنند و حوزه های کاری مجله های دینی سطح بندی شوند. پس باید برای رهایی از هرگونه تکرار ملال آور، خوب است که این کارها انجام بگیرد:

۱. هم اندیشی و تبادل نظر.

۲. ارائه مطالب از سوی مجله ای به گونه تخصصی و در حوزه خاص.

۳. انجام سطح بندی در هر حوزه.

در زمینه فقه نیز، اگرچه حوزه تخصصی داریم، لیکن متأسفانه، به هر حوزه، به طور سطحی، سرکشی می شود که نیاز به تعمق بیش تری وجود دارد.

🔖 : جناب عالی برابر ارزیابی شخصی خودتان چه نمره ای به مجله

حوزه می دهید و در کل این نشریه را در چه منزلت و جایگاهی

طبقه بندی می کنید؟

● به نظر من، مجله حوزه از پیشتازان مطبوعات دینی و مذهبی در کشور است. به همین دلیل، یعنی به خاطر این که در عداد مجله های نخستین است، طرفداران و مخاطبان زیادی دارد و بازتاب زیادی نیز ایجاد کرده است؛ ولی باید توجه داشت که این بازتاب مرهون چند عامل است:

۱. انحصاری بودن فضا. مجله حوزه در فضایی منتشر شد و پا به عرصه گذاشت که مجله و نشریه دیگری میدان دار نبود.

۲. ابتکاری بودن خط مشی.

۳. طرح مقوله ها، عنوانها و حرفهای جدید. حرفهایی که آن زمان کم تر شنیده می شد.

به نظر من موفقیت نشریه حوزه در آن زمان، به دلیل آن بود که مطالب و عنوانها و نکته هایی که تا آن زمان مطرح نشده بود، مطرح کرد. نکته های ناگفته زیاد داشت. مصاحبه ها به عنوان یک شاخص و نیز ویژه نامه ها بسیار خوب بود. ولی این طور نیست که اگر یک مجله در یک زمانی جاذبه پیدا کرد، این نقش همیشگی و ابدی باشد.

🔖 : همان گونه که اشاره کردید، نشریه های موفق هم، هر آن

در معرض آسیب پذیری بوده و ممکن است از جایگاه گذشته خود

تنزل داشته باشند. به نظر شما، مهم ترین این آسیب ها چه می تواند

باشد؟

● من معتقدم به دو دلیل مجله ای که از جاذبه و رونق بیش تری برخوردار بوده

است، در آستانه خطرپذیری بیش تری هم قرار دارد:

۱. چون به نقطه آمال و پاسخ گو بودن پرسشهای اذهان مخاطبان تبدیل شده است و مخاطبان، در زمان و همراه با زمان حرکت می کنند، آن مجله مجبور است خود را به روز نماید که در غیر این صورت، (یعنی در جا زدن و یا احیاناً عقب گرد) آن مجله سقوط و با فروپاشی مواجه خواهد شد و به دلیل این که این مجله پر مخاطب با اقبال خوب و مؤثری مواجه است و مخاطبان فراوان دارد، اگر نزول و سقوط در پیش باشد، این سقوط با سقوط یک مجله ضعیف و کم مخاطب، تفاوت دارد.

۲. آفت دوم این که یک مجله با قدمت و خط و مشی روشن، باید بکوشد که مخاطبان جذب شده را حفظ کرده و دیدگاه های آنان را محترم بشمرد و از دیدگاه ها و گاه قلم آنان در داخل مجله استفاده کند و اگر تنها بر نویسندگان اولیه (تولیدکنندگان مطالب در ابتدای انتشار) توجه و کفایت شود، رفته رفته، مجله مخاطبان خود را از دست می دهد؛ چرا که یک دهه زمانی یا بیش تر پیش رفته ولی نتوانسته است که از مخاطبان، یارگیری کند. در این صورت، ناموفق خواهد بود.

🌀 : انتظارات منطقی و منصفانه از مجله حوزه چه بوده و تا چه

اندازه می توان به تحقق این انتظارها، دل بست؟

● درباره مجله حوزه، در یک نقد منصفانه باید بگویم به رغم جاذبه های اولیه، کوشیده است خود را با زمان همراه کند، لیکن باید اعتراف کرد که توقع و انتظار از این مجله بسیار سنگین است و مخاطبان وظایف مهم و سنگینی بر دوش دارند. مجله هم باید کوشش مضاعف داشته باشد و علاوه بر حفظ جاذبه های اولیه به جاذبه ها و روشهای نو و جدید نیز، توجه کند.